

## تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن کریم

آمنه فصیحی<sup>۱</sup>، الهام آباد<sup>۲</sup>

### چکیده

قرآن کریم کلام اعجازآمیز خداوند است که برای راهیابی انسان به سوی سعادت خویش، بر قلب خاتم الانبیاء نازل شده است و در طول نزول خود، تأثیرات گسترده‌ای را بر روح و جان انسان گذاشته است. چنانچه این تأثیرات در آثار او به طور کامل مشهود است. حضرت علی علیه السلام انسان کامل و مظهر اسماء الهی، همواره در پرتوی انوار قرآن زیست آن گونه که می توان تجلی وحی را بر گفتار و کردار ایشان مشاهده کرد. یکی از کلام حضرت، مناجات شعبانیه است. مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی است که حضرت علی علیه السلام و امامان پس از او در ماه شعبان می خواندند. باتوجه به پیوند عمیق و گسست‌ناپذیر حضرت با قرآن و معارف آن، مناجات شعبانیه از کتاب الهی تأثیر پذیرفته است که با روش توصیفی-تحلیلی در بخش های خداشناسی، انسان شناسی، اهل بیت شناسی و معادشناسی بررسی شده است. حضرت در تأثیرپذیری از کلام الهی هم در سطح آیات و هم در سطح معانی، به صورت وسیعی در کلام خود استفاده کرده و از این راه بر عمق معانی و تأثیرگذاری کلام خود افزوده است.

**واژگان کلیدی:** تأثیر، قرآن، حضرت علی علیه السلام، مناجات شعبانیه.

### ۱. مقدمه

قرآن، کلام نورانی خداوند است که از جانب او برای راهیابی انسان به سوی حق بر آخرین پیام‌آور الهی نازل شده است. این گنجینه الهی با حضور جاودانه و مقتدر خود در عرصه‌های مختلف

۱. دانش پژوه کارشناسی زبان و ادبیات عربی از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی زبان و ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

علمی-فرهنگی، تأثیرات چشم‌گیری به جا گذاشته که نمونه بارز آن، تأثیر در زبان و ادب عرب است. قرآن، سرچشمه لایزال علوم و معارف الهی از دیرباز مورد توجه بسیاری از کسانی قرار گرفته که با این منبع غنی آشنا بوده و با آن خو گرفته‌اند. از این رو بیشترین تأثیرپذیری از سوی پیامبران و امامان معصوم بوده است که به دلیل تسلط کافی و همه‌جانبه خود به تمام ابعاد کلام وحی در بسیاری از گفتارها و نوشتارهای خود بدان تمسک جستند. از آنجاکه ارتباط و پیوند اهل بیت علیهم‌السلام با قرآن، ارتباطی محکم و استوار است گفتار ایشان نیز ارتباط تنگاتنگی با قرآن دارد. چنانچه این ارتباط در سخنان حکیمانه حضرت علی علیه‌السلام در قالب کلمات قصار، نامه، خطبه و مناجات که سرشار از مضامین و آموزه‌های دلنشین و مملو از قواعد فصاحت و بلاغت است به وضوح به چشم می‌خورد. مناجات‌های حضرت علی علیه‌السلام سرلوحه برنامه‌های عبادی و موجب سوق روح به سوی کمال و بازدارنده از آلودگی هاست. مناجات شعبانیه ایشان، مؤثرترین عامل در تهذیب نفس و صفای باطن است که می‌تواند زیباترین و عمیق‌ترین شیوه را برای پیوند عبد با ذات پاک معبود برقرار کند. نوشتار حاضر بر آن است که ارتباط میان قرآن کریم و مناجات شعبانیه و میزان تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن را بررسی کند.

مناجات شعبانیه برگرفته از پیام‌های قرآنی و احادیث معصومین علیهم‌السلام است. با توجه به اهمیت فهم قرآن و کلام اهل بیت علیهم‌السلام و اثرپذیری کلام اهل بیت علیهم‌السلام از آیات نورانی حق، لازم است که میزان تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن و حضور قرآن و آیات قرآنی در مناجات شعبانیه از جنبه‌های مختلفی بررسی شود. در حوزه تأثیرگذاری قرآن و روایات بر آثار ادبا و شاعران، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که برخی از آنها عبارتند از:

- أثر القرآن الکریم فی صورة الشعر العباسی از جادری سهاد؛
- أثر القرآن الکریم فی لغة الشعر العباسی از میسا دهداری؛
- أثر القرآن فی معانی زهدیات مشاهیر العصر العباسی الأول اثر فراس دهداری؛
- تأثیر آشکار و پنهان قرآن بر شعر شاعران عرب اثر علیرضا فرقانی؛
- میزان تأثیر قرآن بر اشعار صاحب بن عباد اثر زینب نجفی؛

- بررسی تأثیر قرآن کریم بر اشعار ابی‌الفتح بستنی اثر عزت‌الله مولایی نیا، مریم مظفری و علی احمد ناصح؛

- جواهری و تأثیرپذیری اش از قرآن اثر سکینه سادات جابر.  
در مورد تأثیرپذیری ادعیه و سخنان معصومین علیهم‌السلام از قرآن، پژوهش‌هایی انجام شده است که عبارتند از:

- تجلی لفظی و معنوی قرآن کریم در خطبه آغازین نهج‌البلاغه اثر خداداد بهری؛
- تأثیر قرآن در صحیفه سجادیه اثر پودینه فاطمه؛
- تأثیر آیات قرآن بر نهج‌البلاغه اثر فاطمه محمدی؛
- تجلی کلام وحی در دعای مکارم اخلاق اثر فاطمه حلوائی؛
- واکاوی برجسته‌ترین جلوه‌های تشابه محتوایی و لفظی آیات قرآن و دعای ندبه اثر مهیار خانی مقدم.

در مورد ترجمه و شرح و جایگاه و اهمیت مناجات شعبانیه، کتاب‌های متعددی تألیف شده است که هر کدام از منظری خاص به مناجات شعبانیه پرداخته‌اند مانند شرح مناجات شعبانیه اثر حضرت آیت‌الله محمد محمدی گیلانی، مناجات شعبانیه اثر غلام حسین امیرخوانی و رضا بنی‌رضی. در بخش مقاله‌ها نیز می‌توان به مقاله رمز عشق (امام خمینی و مناجات شعبانیه) اثر ابراهیم امیری و بر زرفای مناجات شعبانیه بازتولید عرفان و معنویت اثر علی رهبر اشاره کرد. بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که تاکنون مقاله‌ای با موضوع میزان تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن نوشته نشده و پژوهش حاضر در نوع خود بدیع و نو است، پس با توجه به اهمیت موضوع، لازم شد که پژوهشی در این باره صورت گیرد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. اقتباس در لغت

فراهیدی در معنای لغت می‌نویسد: «الْقَبْسُ: شعلة من نار؛ قبس به معنای شعله آتش است». «تَقْبِسُهَا وَتَقْتَبِسُهَا أَيْ تَأْخُذُ مِنْ مَعْظَمِ النَّارِ؛ قسمتی از آتش را گرفت» (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۸۶/۵). این فارس در معنای قبس می‌نویسد: «القاف و الباء و السين أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على صفةٍ من صفات النَّارِ؛ اقتباس از ریشه قبس است که در اصل، صفتی از صفات آتش است» (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۸/۵). راغب در معنای قبس می‌گوید: «الْقَبْسُ: المتناول من الشَّعلة؛ به معنای آتشی که به دست می‌آید» و «الْقَبْسُ وَ الْإِقْتِبَاسُ؛ به معنای طلب کردن آتش است». «ثم يستعار لطلب العلم و الهداية؛ سپس به صورت استعاره، برای خواستن، طلب علم و هدایت نیز به کار رفته است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۶۵۲).

### ۲-۲. اقتباس در اصطلاح

اقتباس در اصطلاح یعنی، شاعر یا نویسنده در کلام نظم یا نثر خود مطلبی از قرآن یا حدیث یا بیته معروف را بیاورد درحالی که اشاره‌ای صریح به آن نکرده باشد. (تفتازانی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸؛ مطلوب، ۲۰۰۰، ص ۱۵۹؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷)

### ۲-۳. تأثیر در لغت

فراهیدی در معنای اثر می‌نویسد: «الْأَثَرُ: بقية ما تری من کل شیء و ما لا یری بعد ما یبقی علقه؛ اثر، باقیمانده آن چیزی است که از هر چیزی می‌بینی و آنچه که دیده نمی‌شود بعد از آنچه که از چیزی باقی می‌ماند». (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۳۶/۸) ابن منظور در معنای اثر می‌نویسد: «الْأَثَرُ: بقية الشیء، و الجمع آثار و أثور؛ اثر، باقیمانده شیء را می‌گویند» و «التأثیر: إنبقاء الأثر فی الشیء؛ تأثیر، اثر و نشان گذاشتن در چیزی است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۶/۴). راغب در معنای اثر می‌نویسد: «أَثَرُ الشیء: حصول ما یدلُّ علی وجوده؛ اثر به معنای حاصل کردن و دریافتن چیزی است که ما را به وجود آن چیز

دلالت و راهنمایی می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۶۲). تأثیرپذیری از قرآن یعنی، بهره‌مندی ادبا و شاعران در آثار خود از قرآن.

### ۳. سند مناجات شعبانیه

تأمل در بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام مشخص می‌کند که شخصیت ایشان از عرفان و کشف و شهود آکنده است. عرفان امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌توان در آینه ادعیه آن حضرت نیز جو یا شد. راز و نیازهای این بزرگوار و دعا‌های ایشان، کیفیت و کمیت چشمگیری دارد، اما در مورد کیفیت اعجاب‌انگیز دعاها و مناجات‌های حضرت علیه السلام می‌توان فرازهای متعددی را از محتوای راز و نیازهای علوی ذکر کرد. در عرفان اسلامی شیعی یکی از منازل بسیار ارجمند برای سالک مراقب، ماه شعبان است و در این ماه یکی از اعمال بسیار مهم، خواندن مناجات شعبانیه است. یکی از عرفای اخیر، مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره مناجات شعبانیه می‌نویسد: «مناجات معروف شعبانیه که از حضرت امیر علیه السلام و دیگر امامان معصوم گزارش شده، مناجاتی بسیار گران بهاست. در این مناجات، معارف فراوانی نهفته است به‌ویژه درباره آداب و آیین بندگی کردن، شیوه با خدا روبه‌رو شدن، چگونه از او درخواست کردن و...» (مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱، ۶/۴۷) امام خمینی (ره) می‌فرماید: «مناجات شعبانیه از بزرگ‌ترین مناجات و از عظیم‌ترین معارف الهی و از بزرگ‌ترین اموری است که آنهایی که اهلش هستند، می‌توانند تا حدود ادراک خودشان استفاده کنند. این از دعا‌هایی است که من غیر از این دعا ندیدم که همه ائمه علیهم السلام این مناجات را می‌خواندند» (خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱/۳۹۷). این دعا گفت‌وگو و ابراز علاقه امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد ایشان با پروردگار است. در این مناجات، سلسله‌ای از معارف و حقایق عالم وجود است و از مبدأ هستی و عظمت پروردگار از ضعف و مسکنت مخلوق و از محبت الهی سخن می‌گوید. این دعا از یک طرف، فلسفه به معنای اعم است که حقیقت هستی را تبیین می‌کند و از طرف دیگر، جهات اخلاقی و تربیتی دارد. با خواندن این دعا روح لحظه‌به‌لحظه اوج

می‌گیرد و بالا می‌رود تا آنجا که از مادیت رها شده و به سرچشمه هستی نزدیک می‌شود (مدرسی طباطبایی یزدی، بی‌تا، ص ۱).

ابن خالویه می‌گوید: «این مناجات امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه از فرزندان است که در ماه شعبان بدان مناجات می‌کرده‌اند». از جمله مآخذی که این مناجات در آن ذکر شده عبارتند از: ۱. کتاب الاقبال تألیف سید رضی الدین علی بن طاووس از ابن خالویه. ۲. بحار الأنوار تألیف علامه محمد باقر مجلسی از کتاب عتیق غروی. ۳. مفاتیح الجنان حاج شیخ عباس قمی از الاقبال. و ناقلان مناجات به ترتیب، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس معروف به ابن طاووس از حسین بن خالویه معروف به ابن خالویه می‌باشد. (عبدخدایی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

#### ۴. قرآن کریم و تأثیر آن بر مناجات شعبانیه

قرآن از همان لحظه‌های نخستین نزول، تحرك فکری را نزد عرب برانگیخت و توجه آنها را به خود جلب کرد. از آنجا که روش‌های تعبیر جدید با خود آورد، دل‌ها و گوش‌های ایشان را به کلام دل‌نشین خود علاقه‌مند کرد. مردم نیز راهی جز تسلیم در برابر تأثیر آن در خود نیافتند. (زغلول، ۱۳۸۸، ص ۳۹) قرآن به زبان عربی قداستی بخشید و بشریت را در تمام نقاط مختلف جهان به آموختن و نیکو فراگرفتن آن تشویق کرد. نویسندگان برای تألیف آثار فکری و فلسفی و شاعران برای بیان عواطف خود از قرآن استفاده می‌کردند (مغنیه، ۱۹۹۵، ص ۵۳). ارتباط حضرت علی علیه السلام با قرآن، ارتباطی ژرف و استوار است آن‌گونه که قرآن در تمام اعضا و جوارح او نفوذ کرده و با روح و روان او چنان آمیخته شده است که وصف آن میسر نیست. ایشان در حالی که خود، قرآن ناطق و پیشوای فصاحت است قرآن را در حد اعلای آن فراگرفت و به آن جامه عمل پوشاند. به گونه‌ای که تجلی چشمگیر آن بر تمام اندیشه‌ها، رفتار و زندگانی وی بر کسی پوشیده نیست و این دلیلی مقنع بر تأثیرپذیری ایشان از قرآن است. این تأثیرپذیری از قرآن را در سخنان حکیمانه خود و از جمله مناجات شعبانیه، گاه به صورت آشکار و گاه به صورت پنهان در کلام خود به کار برده است.

## ۵. بررسی تأثیرات معنوی مناجات شعبانیه

حضرت علی علیه السلام در مناجات شعبانیه با راز و نیاز با معبود خود، به کاربردن الفاظ شیوا و مفاهیم تکان‌دهنده و تحول‌آفرین، مباحث و مسائل اساسی بشر مانند توحید یا خداشناسی، اهل بیت شناسی، معادشناسی و انسان‌شناسی را مطرح می‌کند.

### ۱-۵. خداشناسی

#### ۱-۱-۵. توحید در الوهیت

یکی از مراتب توحید، توحید در الوهیت است؛ یعنی جز الله کسی را سزاوار پرستش ندانستن؛ زیرا اله به معنای معبود و کسی است که شایسته عبادت و اطاعت باشد و ثابت شده که هستی انسان و همه عالم از اوست و تدبیر همه امور به دست او و حق فرمان‌دادن و قانون وضع کردن نیز منحصر به اوست، پس کسی جز او شایسته پرستش نیست. (کریمی، بی تا، ۴۷/۱) در واقع الوهیت، وصف یگانه خداوند است که بر احدی غیر او حمل نمی‌شود. حضرت در ابتدای کلام، معبود خود را با وصف الله خطاب می‌کند با این اعتقاد که او تنها معبود حقیقی و تنها موجود شایسته پرستیدن است. قرآن کریم نیز مقام الوهیت خداوند را در آیات اعجاب‌انگیز خود بیان کرده است: «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ؛ و او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود است و او حکیم داناست» (زخرف: ۸۴). «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ؛ معبود شما، معبودی یگانه است» (نحل: ۲۲). «وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و اوست خدای بر حق و نیست خدایی مگر او. برای خداست حمد و ستایش در دنیا و در آخرت و برای اوست حکم و به سوی او بازگردیده خواهند شد» (قصص: ۷۰).

#### ۲-۱-۵. توحید در صفات (توحید صفاتی)

حضرت با اظهار احساسات و عواطف وجودی خود و بیان نیازها با معبود خویش به سایر اوصاف الهی نیز توجه و عنایت ویژه داشته است از جمله:

### اول) سمع الهی (خدا شنونده دعاست)

«وَأَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَأَسْمَعُ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ». این فراز به سمیع بودن خداوند اشاره دارد که آیات الهی نیز به خوبی بیانگر آن هستند: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری: ۱۱)؛ «فَأَسْتَعِذُ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (اعراف: ۲۰۰)؛ «إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱).

### دوم) مجیب الدعوات (خداوند اجابت‌کننده دعاهاست)

«وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ؛ به من توجه کن هنگامی که با تو مناجات می‌نمایم». خداوند شنونده همه صداهاست؛ زیرا امام علیه السلام از خداوند مسئلت کرد که: «دعای مرا و ندای مرا بشنو!». برای این سؤال، دو جواب می‌توان بیان کرد: الف) این عبارت بیانگر شدت میل بنده نسبت به این است که معبودش، دعایش را بشنود و به او توجه کند. بنابراین، می‌خواهد نسبت به اینکه خداوند دعایش را می‌شنود و اجابت می‌کند، اطمینان یابد؛ ب) خداوند دوگونه می‌شنود: یکی چون سمیع است، تمام صداها را می‌شنود و دیگری خداوند می‌شنود تا مستجاب کند که به این گونه استماع، استماع خاص می‌گویند و امام علیه السلام در دعا مسئلت می‌کند: «دعای مرا بشنو تا اینکه در نتیجه، دعایم را مستجاب سازی» (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۲۳). کلام وحی نیز بیانگر سنت استجاب دعا از طرف خداوند است: «إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ تو شنوای دعایی» (آل عمران: ۳۸)؛ «إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ مسلماً پروردگار من شنونده دعاست» (ابراهیم: ۳۹)؛ «فَأَسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ؛ از او طلب آمرزش کنید و به درگاهش توبه آورید که پروردگار من نزدیک و اجابت‌گر است» (هود: ۶۱)؛ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ آن‌گاه که بندگانم درباره من از تو بپرسند: من نزدیکم و هرکه مرا بخواند دعایش را اجابت می‌کنم. آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راهشان را بیابند» (بقره: ۱۸۶). در آیه ۳۸ سوره آل عمران، خداوند به سمیع‌الدعا توصیف شده است. اگرچه سمیع به معنای شنونده است، ولی در این گونه موارد به معنای کسی است که هم می‌شنود و هم قبول و اجابت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۲۸/۷).



### سوم) خدا بهترین پناهگاه و قلعه امن

«فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُشْتَكِينًا لَكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ». فرار کردن و گریختن از چیزی، به معنای احساس ترس، ناامنی و خطر... از کسی یا چیزی است و حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در این فراز، حالت ترس و ناامنی خود را از غیر خدا و در نتیجه رهایی از آن و امنیت و آرامش پیدا کردن را در سایه پناه بردن به قلعه امن الهی بیان می‌کند. چنانچه در آیات مختلف قرآن نیز مسئله استعاذه و پناه بردن به سوی خدا بیان شده است: «وَإِنَّمَا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و هرگاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست» (اعراف: ۲۰۰). «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ و آن هنگام که موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به هموطنانش گفت: خداوند به شما دستور می‌دهد که ماده گاوی بکشید، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ گفت: به خدا پناه می‌برم از اینکه از نادانان باشم» (بقره: ۶۷). باتوجه به آیات مذکور می‌توان دریافت که کلام نورانی حق، بیان‌کننده این است که انسان در این عالم، فردی نیازمند است و گرفتار مسائل مختلف مادی و معنوی می‌شود و احساس نیاز و وابستگی او به پناهگاهی محکم، امری غیرقابل انکار است. بنابراین، تنها پناهگاه امن انسان، خداوند متعال است. چنانچه در آیه ۵۰ سوره ذاریات آمده است: «فَقِرُّوا إِلَى اللَّهِ؛ به سوی خدا بگریزید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۷۴/۱۸).

### چهارم) علم الهی به اسرار بندگان

«وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي». این فراز به علم الهی نسبت به اسرار دل‌های بندگان اشاره دارد که برگرفته از این آیات است: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ خدا خیانتکاری دیدگان و آنچه در دل‌ها نهان داشته‌اند را می‌داند» (غافر: ۱۹). «وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ و خداوند از راز دل‌ها باخبر است». (آل عمران: ۱۵۴). «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا؛ خداوند آنچه را که در قلوب شماست می‌داند و او دانای بردبار است» (احزاب: ۵۱).

### پنجم) خداوند آگاه و خبیر است

«وَتَخْبِرُ حَاجَتِي وَتَعْرِفُ صَمِيرِي». خبیر، صفت مشبیه و به معنای اطلاق عمیق و آگاهی مخفیانه و احاطه دقیق بر چیزی است؛ یعنی خدای تعالی به حقایق و دقائق اعمال و افعال و کردارهای انسان‌ها و نیز به باطن آنها هم در دنیا و هم در آخرت آگاه است و هیچ چیز بر او مخفی و پنهان نیست» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۹/۱). قرآن نیز آگاهی و خبیربودن خداوند را در آیات مختلف بیان کرده است: «إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا؛ همانا او نسبت به (حال) بندگان خویش آگاه و بیناست» (اسراء: ۹۶). «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر: ۱۸). «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان: ۱۶).

### ششم) علم الهی به نهان و آشکار

«وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْكَ أَمْرٌ مُّتَقَلَّبِيٍّ وَمَمْتَوَايَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَّ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَأَنْفَوْهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي؛ و هیچ امری از امور دنیا و آخرت بر تو پنهان نیست و آنچه که می‌خواهم به زبان اظهار کنم و از حواجم سخن بگویم و آنچه برای حسن عاقبتم به تو امید دارم همه را می‌دانی». این قسمت از فراز در واقع بیان‌کننده مفهوم آیاتی است که بر عالم الغیب و الشهاده بودن خداوند دلالت می‌کنند. «وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ؛ پوشیده نماند از پروردگارت سنگینی ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان» (یونس: ۶۱)؛ «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ؛ دانای نهان و آشکار آن بزرگ عالی جایگاه» (رعد: ۹)؛ «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ اوست خدایی که نیست خدایی جز او دانای نهان و هویدا اوست بخشنده مهربان» (حشر: ۲۲). الغیب شامل همه نهان‌هاست از گذشته، حال و آینده و انقسام موجودات به غیب و آشکار نسبت به انسان‌هاست، ولی نسبت به خدا همه آشکار و یکسان هستند. خداوند عالم الغیب و الشهاده است و چنان‌که آیاتی مانند «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» (انعام: ۵۹) و «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ» (نمل: ۶۵) در این مطلب صریح هستند. (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۵/۱۳۴)

## هفتم) خدا آمرزنده مهربان است

«وَتَعَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ، إِلَهِي إِنَّ عَفْوَتَ فَمَنْ أُولَىٰ مِنْكَ بِذَلِكَ؛ عَفْوٌ وَأَمْرُزْتُ مَرَا فَرَاكَرْتَهُ اسْتِ، أَيِ خَدَايِ مِنْ أَمْرٍ تَوَمَّرَا عَفْوِ كُنِي كَهْ مِنْ تَوَسْرَاوَرْتَرَهْ بَهْ عَفْوَا اسْتِ». در این فراز به صفت غفور خداوند اشاره شده که برگرفته از مفاهیم آیات قرآنی است: «نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْعَفْوَ الرَّحِيمُ؛ خَبْرَدَه بِنْدَاگان مَرَا كَهْ بَه دَرَسْتِي مِنْمِ آمْرَزْنَدَه مَهْرَبَانِ» (حجر: ۴۹)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوَ الرَّحِيمُ؛ خَدَا هَمَه گَنَاهَانِ رَا مِي آمْرَزْد؛ زَبِرَاو بَسِيَارِ آمْرَزْنَدَه وَ مَهْرَبَانِ اسْتِ» (زمر: ۵۳)؛ «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ فَاسْتَعْمَلُوا عَمَلِ زَشْتِي شَوْنَدِ يَا بَه خُودِ سَتَمِ كَنْدِ بَه يَادِ خَدَا مِي افْتَنْدِ وَ بَرَايِ گَنَاهَانِ خُودِ، طَلَبِ آمْرَزْشِ مِي كَنْدِ وَ كَيْسْتِ جَزِ خَدَا كَه گَنَاهَانِ رَا بِيخشد» (آل عمران: ۱۳۵).

## هشتم) خداوند ستار العيوب است

«إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَخُوجُ إِلَىٰ سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ». ستار از واژه ستر به معنی پوشاندن، به طور صریح در قرآن نیامده است و از ریشه ستر در قرآن، سه آیه ذکر شده است که عبارتند از: آیه ۹۰ سوره کهف، آیه ۲۲ سوره فصلت و آیه ۴۵ سوره اسراء. در هیچ یک از این آیه ها نمی توان در مورد ستار العيوب بودن خدا استفاده کرد، اما در قرآن از سه واژه عفو، صفح و غفران می توان استفاده کرد و از مفهوم این واژه ها ساتر و ستار بودن خدا را نتیجه گرفت. از جمله آیه ۲۲ سوره نور که خداوند می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؛ أَنهَابِ بَايِدِ عَفُوكَنْدِ وَ چَشْمِ بِيوشَنْدِ. آيَا دُوسْتِ نَمِي دَارِيْدِ خَدَاوَنْدِ شَمَا رَا بِيخشد». همچنین در آیه ۷۰ سوره فرقان آمده است: «فَأُولَئِكَ يَبْدِلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ خَدَاوَنْدِ گَنَاهَانِ أَنهَابِ رَا بَه حَسَنَاتِ مَبْدَلِ مِي كَنْدِ وَ خَدَاوَنْدِ هَمُوَارَهْ آمْرَزْنَدَه وَ مَهْرَبَانِ اسْتِ».

## نهم) توحید در فاعلیت (توحید افعالی)

توحید افعالی یعنی، همه افعال عالم، فعل خداوند است و تمام آثار موجود در جهان به ذات مقدس الهی منتهی می شود. اینکه جهان با همه نظامات و سنن و علل و معلولات، فعل او و ناشی از اراده

اوست و موجودات عالم که در ذات استقلال ندارند و وابسته به او هستند در مقام تأثیر و علیت نیز استقلال ندارند و در نتیجه، خداوند همچنان که در ذات شریک ندارد در فاعلیت نیز شریک ندارد. (مطهری، ۱۳۹۰، ۱۰۲/۲)

۳-۱-۵. توحید در مالکیت

### اول) خدا مالک سود و زیان بندگان است

مالک حقیقی جهان هستی، ذات پاک خداوند است و بقیه مالکیت‌ها جنبه مجازی و غیرمستقل دارند. «وَيَدِّكَ لَا يَدِيدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِي». باتوجه به این فراز، حضرت خداوند را مالک حقیقی خود خطاب قرار داده است و نه تنها زیادت و سود امور را از جانب خدا می‌داند بلکه مصائب زندگی و کاستی‌ها و نقصان آن را هم از جانب خدا می‌داند. چنان که در آیات متعددی هم به این مطلب اشاره شده است. «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا؛ همانا پروردگار تو فراخ‌گرداند روزی را برای هرکه خواهد و تنگ‌گرداند همانا اوست به بندگان خویش آگاهی بیناست» (اسراء: ۳۰)؛ «وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان، که اگر چنین کنی از ستمکاران خواهی بود» (یونس: ۱۰۶)؛ «وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ و اگر خداوند برای امتحان یا کیفر گناه زیانی به تو رساند هیچ کس جز او آن را برطرف نمی‌سازد و اگر اراده خیری برای تو کند هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد، می‌رساند و او غفور و رحیم است» (یونس: ۱۰۷)؛ «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ؛ بگو من مالک نفع و ضرر خویش نیستم» (یونس: ۴۹). خداوند، حکیم است و آنچه از او به ظهور می‌رسد از سرچشمه حکمت و مصلحت جاری می‌شود. بنابراین، اگر نقصان و ضرری نیز متوجه انسان می‌شود حکمت و مصلحتی پنهانی دارد اگرچه انسان به سبب علم اندکش از آن مصالح بی‌خبر است. بنابراین، نقصان نیز مانند زیادت و ضرر نیز مانند نفع از طرف خداست و همه در مسیر خدمت انسان و برای مصالحی و برای پرورش او و سیر او به طرف تکامل است (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

## دوم) خدا تنها مالک و صاحب عزت و ذلت انسان است

«إِنْ حَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي». براساس این فراز، عزت و جلال واقعی تنها از آن خداوند است و تمام عزت و ذلت انسان به دست اوست. انسان‌ها در ذات خود فقیر و ذلیل هستند، اما می‌توانند در سایه طاعت و بندگی او به عزت برسند چنان‌چه در آیات قرآنی نیز به آن اشاره شده است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدْءِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بگو: بارالها مالک حکومت‌ها تویی. به هرکس بخواهی حکومت می‌بخشی و از هرکس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هرکس را بخواهی عزت می‌دهی و هرکه را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست. تو بر هر چیزی قادری» (آل عمران: ۲۶)؛ «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْيَبْتِغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست» (نساء: ۱۳۹)؛ «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چراکه) تمام عزت برای خداست» (فاطر: ۱۰).

## سوم) توحید در رزاقیت

در قلمرو وحدت وجود فقط خود خداوند رزاق و روزی‌دهنده است هرچند این کار را با مظاهر کثیر خود در عالم خلقت انجام می‌دهد. «إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي»؛ برگرفته از مفهوم آیات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ؛ ای مردم به یاد آورید نعمت خدا را بر شما. آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد. هیچ معبودی جز او نیست. با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید» (فاطر: ۳)؛ «قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهُو و تجارت است و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است (جمعه: ۱۱)؛ «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ خداوند روزی‌دهنده و صاحب قوت و قدرت است (ذاریات: ۵۸)؛ «دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ زکریا

وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آنجا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای، گفت: این از سوی خداست. خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی می‌دهد» (آل عمران: ۳۷).

#### چهارم) توحید در نصرت

تمام یاری کردن‌ها از جانب وحدت وجود حق تعالی است هرچند با کثرات و در آینه مخلوقات ظهور می‌کند. «إِنْ حَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي»؛ این فراز از مناجات به قاعده توحید نصرت اشاره دارد که تنها یار و یاور حقیقی آدمی در زندگی، خداوند است. اگرچه با تجلیات او یعنی، فرشتگان، مخلوقات و... انجام می‌گیرد، ولی تمام کمک‌ها از جانب حق تعالی است. از جمله آیات الهی که شاهد و گواه بر این امر هستند:

- «بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»؛ کافران یاور شما نیستند بلکه خدا یاور شماست و او بهترین یاوران و بزرگ‌ترین مددکاران است» (آل عمران: ۱۵۰)؛  
 - «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ \* بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»؛ در آن روز مؤمنان خوشحال خواهند شد به سبب یاری خداوند و او هرکس را بخواهد، یاری می‌دهد و او صاحب قدرت و رحیم است» (روم: ۴-۵)؛  
 - «أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»؛ بدانید خداوند سرپرست شماست، چه سرپرست خوبی و چه یاور خوبی» (انفال: ۴۰).

#### پنجم) توحید در توکل

توحید در توکل یعنی، انسان تنها خدا را نقطه اعتماد و اطمینان خود بداند و همواره با این اعتقاد قلبی که تنها او مسبب الاسباب است با تلاش و برنامه‌ریزی به سمت اهداف خود حرکت می‌کند. «إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظْلَمَ اللَّهُ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ». حضرت علی عليه السلام نیز با بیان این فراز، تنها خدا را شایسته اعتماد و توکل می‌داند؛ زیرا هیچ قدرت و اراده‌ای را نافذ و چیره بر قدرت و اراده الهی نمی‌داند. همان‌گونه که آیات الهی هم به این مسئله اشاره کرده‌اند:

- «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ و هر که به خدا توکل کند، خدا برای او کافی است» (طلاق: ۳)؛  
 - «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ»؛ و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد» (فرقان: ۵۸)؛

- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود ایمانشان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند» (انفال: ۲).

#### ۴-۱-۵. تقدیر الهی (تقدیر امور به دست خداست)

«وَقَدْ جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَىٰ آخِرِ عُمْرِي مِنْ سِرِّيَّتِي وَعَلَانِيَّتِي». قدر و تقدیر به معنای بیان کردن کمیت چیزی است و قضا به معنای امر کردن به کاری و فیصله دادن آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۶۵۸) قضا و قدر الهی نقشه‌های منظم پروردگار است که در مورد آفرینش حاکم است و مسیر خلقت بر مبنای آن به صورت نظام احسن انجام می‌شود. دعا کردن و استجاب آن از مصادیق قضای الهی است. همچنین هرکس در زندگی، اهل تلاش باشد به آرزوهایش می‌رسد و این از قضا و قدر الهی است. با توجه به نظم جهانی و اختیار انسانی، بشر نه آن چنان مختار است که در جهان هرگونه تصرفی کند و نه آن چنان محدود است که اختیار هیچ کاری را نداشته باشد. بنابراین، نه انسان به تمام معنی حاکم بر سرنوشت خویش است و نه مانند سنگی است که در مسیر سیلی قرار گرفته و در همه امور مجبور بوده بلکه اختیار دارد، اما در محدوده خاصی و بر مبنای آن، پاداش یا کیفر می‌بیند. البته باید توجه داشت که تقدیر الهی بر آن است که انسان، موجودی صاحب اختیار باشد و کارها را با اراده خود انجام دهد. از این رو اراده انسان هم ضمن تقدیر الهی است (عبدخدایی، ۱۳۸۳، ص ۶۵).

قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این مسئله که تقدیر امور دست خداست اشاره کرده است: «قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو ای پیغمبر: نخواهد رسید ما را مگر آنچه نوشته است خدا از برای ما در لوح محفوظ از جنگ و فتح و شکست. اوست ناصر و یاور ما و بر خدا توکل می‌کنند مؤمنین»؛ (توبه: ۵۱) «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر شما کرد و (نیز) کشتی‌هایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوس‌ها حرکت

می‌کنند و آسمان [کرات و سنگ‌های آسمانی] را نگه‌می‌دارد تا جز به فرمان او بر زمین فرونیفتند. خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است» (حج: ۶۵).

## ۲-۵. انسان‌شناسی

### ۱-۲-۵. انسان مستکین و متضرع

«وَوَقَّفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ». در این فراز به شدت درماندگی، زاری و نیازمندی انسان به پیشگاه خداوند در قالب دو وصف مستکین و متضرع اشاره شده است. مستکین، اسم فاعل از باب استفعال از ماده کون، بودن و وجود است. معنی اصلی آن، چیزی است که بودن و وجود می‌خواهد؛ یعنی به حدی ناچیز است که تازه درصدد داشتن وجود است. مستکین یعنی، ناچیز ذلیل (رضوی، ۱۳۹۶، ۴۹۲/۵). باتوجه به این مطلب، انسان در اصل خویش، ممکن‌الوجود است و نسبت به وجود و عدم، حالتی تساوی دارد و در ذات خود نیازمند به عامل خارجی است که به او هستی بدهد و در صف دیگر موجودات قرار دهد و آن عامل هستی‌بخش، تنها خداوند (واجب‌الوجود) است. آیه ۱۵ سوره مبارکه فاطر در یک ندای جهانی با حصر غنا در خداوند و فقر و نیازمندی در انسان، احتیاج ذاتی او را بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم، شما نیازمندان درگاه خداوند هستید و خداوند است که بی‌نیاز ستوده است» (فاطر: ۱۵). متضرع اسم فاعل از باب تَفَعَّل است به معنای اظهار زاری و زبونی کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۵۰۶). در قاموس و اقرب آمده است: «تَضَرَّعَ إِلَى اللَّهِ» یعنی، ابتهال و تذلل کرد، خود را در معرض طلب حاجت قرار داد (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۱۸۰/۴). خداوند نیز در آیات مختلف، بنده خود را به تضرع در دعا دعوت می‌کند: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ پروردگار خود را به زاری و در نهان بخوانید که او تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف: ۵۵)؛ «وَأَذْكُرُ رَبِّيَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ؛ و پروردگارت را صبح و شام در دل خود از روی تضرع و ترس و فروتراز صدای بلند یادکن و از غافلان مباش» (اعراف: ۲۰۵).



**اول) انسان محتاج خدا در شنیدن و استجاب است**

«وَأَسْمِعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ، وَأَسْمِعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ». «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶).

**دوم) انسان محتاج خدا در عفو و بخشش است**

«إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَخُوجُ إِلَى سَهْرَهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرِي». «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبِّتْ أَقْدَامَنَا؛ پروردگارا، گناهان ما و زیاده روی ما در کارهایمان را بر ما ببخش و گام های ما را ثابت بدار»؛ (آل عمران: ۱۴۷) «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ؛ پروردگارا، همانا ما شنیدیم که نداکننده ای به ایمان فرامی خواند که به پروردگار خود ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهانمان را بر ما ببخشای و بدی هایمان را از ما بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران» (آل عمران: ۱۹۳).

**سوم) انسان محتاج خدا در رزق و روزی است**

«إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي؟»؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ ای مردم، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید. آیا جز خدا آفریدگاری هست که از آسمان و زمین به شما روزی دهد» (فاطر: ۳).

**۵-۲-۳. خلقت ضعیف انسان**

«إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُدْنِبُ»؛ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ انسان، ضعیف آفریده شده است» (نساء: ۲۸).

**۵-۳-۳. معادشناسی**

**۵-۳-۱. موت و حیات**

«إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرَبِّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَبِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي»؛ «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُوفُ؛ همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدام یک

نیکوکارترید و اوست که عزتمند و آمرزگار است» (ملک: ۲)؛ «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ چگونه به خدا کفر می‌ورزید با اینکه شما فاقد حیات بودید و او به شما حیات بخشید، سپس شما را می‌میراند، سپس زنده‌تان می‌کند، سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید» (بقره: ۲۸).

### ۵-۳-۲. معاد (یوم‌القیامه)

«إِلَهِي كَيْفَ آيِسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي»؛ «قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِيهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ بگو آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن کیست. بگو از آن خداست که رحمت را بر خویشتن واجب گردانیده است. یقیناً شما را در روز قیامت - که در آن هیچ شکی نیست - گرد خواهد آورد. خودباختگان کسانی‌اند که ایمان نمی‌آورند» (انعام: ۱۲).

### ۵-۳-۳. لقاءالله

«إِلَهِي فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ»؛ «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان، حقا که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق: ۶)؛ «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ هرکس به لقای خدا امید دارد باید در راه او بکوشد؛ زیرا وعده خدا حتما آمدنی است و اوست که شنوا و داناست» (عنکبوت: ۵). «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ بگو من هم مثل شما بشری هستم، ولی به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است، پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد» (کهف: ۱۱۰).

### ۵-۳-۴. اهل بیت شناسی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مناجات شعبانیه را با ذکر صلوات بر پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آغاز کرده است و در انتها نیز مناجات را با ذکر صلوات تمام می‌کند. صلوات

پس از ذکر خدا از کامل‌ترین و زیباترین اذکاری است که با فرارگرفتن در ابتدا و انتهای هر دعا و مناجاتی سبب اجابت آن دعا می‌شود. این قسمت از فراز، متأثر از آیه ۵۶ سوره مبارکه احزاب است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای مؤمنان! بر او درود فرستید و به شایستگی (بدو) سلام کنید» (احزاب: ۵۶). صلوات از یک طرف توجه به خداوند است و دعاست و از سویی اظهار ارادت به پیامبر اکرم ﷺ و خاندانش. از این رو در صلوات هم توحید نهفته شده است، هم نبوت و هم امامت (عبدخدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

شروع دعا با ذکر صلوات بر پیامبر ﷺ برای دعاکننده پیام‌های مختلفی دارد:

- تذکر به اینکه هیچ‌گاه انسان، ولی نعمتان جهان هستی را فراموش نکند؛ زیرا تمام خیر در عالم هستی به یمن وجود آنهاست. مناجات شعبانیه نیز یکی از خیرات بزرگ جهان هستی است که به برکت این خاندان پاک به دست انسان رسیده است؛

- انسان آن نورهای مقدس را بین خود و خدای خود و برای اجابت دعاها واسطه و شفیع قرار دهد؛  
- ذکر نام حضرت محمد ﷺ و خاندان او در اول دعا به معنای ابراز احساسات در برابر بزرگ‌ترین و زیباترین شاهکارهای جهان هستی است که با قلم قدرت خداوندی بر صفحه گیتی ترسیم شده است؛

- صلوات بر اهل بیت علیهم السلام قبل از هر چیز، برای گوینده آن فایده دارد. همان‌گونه که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَجَعَلَ صَلَواتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طيبًا لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا؛ و خداوند قرار داد صلوات بر شما و ولایت شما را سببی برای پاکیزه شدن خلقت ما و طهارت جان‌های ما و تزکیه ما»؛

- در نهایت اینکه صلوات بر محمد و آل او، استجابت دعا را به همراه دارد. چنانچه امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «هر که به درگاه خدای عزوجل حاجتی دارد باید به صلوات بر محمد و آل او شروع کند و سپس حاجت خود را بخواهد و دعا را نیز به صلوات بر محمد و آل محمد ختم نماید؛ زیرا خدای عزوجل، کریم‌تر از آن است که دوطرف دعا را ببیند، ولی وسط دعا را واگذارد و به اجابت

نرساند؛ زیرا صلوات بر محمد و آل محمد، محجوب نیست و از طرف خداوند پذیرفته می‌شود»  
(طاهری، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

## ۶. بررسی تأثیرات لفظی مناجات شعبانیه

حضرت علی علیه السلام در برخی از فراز مناجات شعبانیه از کلام وحی اقتباس کرده است که برخی از آنها عبارتند از:

- «إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا»؛ این فراز برگرفته از آیه دوم سوره حمد است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»  
(الفاتحه: ۲)؛

- «إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمْسْتَجِيرٌ»؛ آنکه به تو پناه جوید در پناه توست».

- این فراز برگرفته از آیات زیر است:

- «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ مگر آنها که توبه کنند و جبران و اصلاح نمایند به (دامن لطف) خدا چنگ زنند و دین خود را برای خدا خالص کنند آنها با مؤمنان خواهند بود و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد» (نساء: ۱۴۶)؛

- «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا؛ اما آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند به زودی همه را در رحمت و فضل خود وارد خواهد ساخت و در راه راستی به سوی خودش هدایت می‌کند» (نساء: ۱۷۵)؛

- «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ؛ نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و به خدا تمسک جوید که او مولا و سرپرست شماست چه مولای خوب و چه یاور شایسته‌ای» (حج: ۷۸)؛

- «فَإِنِّي لَأَفْقِدُ لِنَفْسِي دَفْعًا، وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا»؛ این فراز برگرفته از آیه ۱۸۸ سوره اعراف است: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعراف: ۱۸۸)؛

- «وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا». برگرفته از آیه مبارکه ذیل است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶)؛
- «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» برگرفته از آیه ذیل است: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ پربركت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو» (الرحمن: ۷۸).

## ۷. نتیجه گیری

قرآن کریم کتاب آسمانی است که ازسوی خداوند متعال برای هدایت و بصیرت انسان بر قلب نازنین آخرین حجت حق نازل شد و در طول تاریخ، تأثیرات فراوان و گسترده‌ای بر جوامع بشری و علوم مختلف گذاشته است. ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز از آن جهت که ارتباطی پیوسته با قرآن دارند و سراسر حیات ایشان ملهم از کلام وحی است به‌عنوان مفسر و مبین قرآن و راهنمای انسان در دستیابی به سعادت و کمال معرفی شده‌اند. امام علی علیه‌السلام نیز که تحت تعلیم و تربیت مکتب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود و قرآن همواره در گفتار و رفتار ایشان نقش عمیق و گسترده‌ای داشت تاجایی که می‌توان نقش قرآن و تأثیرات آن را در ابعاد مختلف زندگی ایشان مشاهده کرد. در مقاله حاضر تلاش شده است که تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از قرآن کریم بررسی شود و در نتیجه نکات ذیل به‌دست آمد:

- تأثیرات معنوی: در این قسمت به مباحث مختلفی مانند خداشناسی، انسان‌شناسی، معادشناسی و اهل‌بیت‌شناسی پرداخته شد که هرکدام از این امور شامل موارد متعددی است مانند خداشناسی شامل: توحید در الوهیت، توحید در صفات، توحید در فاعلیت، توحید در مالکیت، توحید در رازقیت، توحید در نصرت، توحید در توکل، قضا و قدر.
- انسان‌شناسی شامل: انسان، موجودی مسکین و متضرع است، انسان در زمینه‌های استجابات دعا، عفو و بخشش و رزق و روزی محتاج و نیازمند به خداوند است؛ خلقت ضعیف انسان.
- معادشناسی شامل: موت و حیات، یوم‌القیامه و لقاءالله.
- اهل‌بیت‌شناسی شامل: شناخت اهل‌بیت علیهم‌السلام و ولی نعمت انسان.
- تأثیرات لفظی: در این قسمت عباراتی که از قرآن اقتباس شده‌اند، مطرح شده است.

- - إلهی فلك الحمد ابدًا ابدًا، إن من اعتصم بك لمستجير، فأني لأقدر لنفسي دفعا ولا أملك لها نفعًا،  
و صلى الله على محمد رسوله وآله الطاهرين و سلم تسليما كثيرا، يا ذا الجلال و الاكرام.

### فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ هـ ق)، مقایس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: دار الأعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ هـ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۶). المطول. قم: مکتبه الداوری.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار النظم.
۷. رضوی، مرتضی (۱۳۹۶). انسان و علوم انسانی در صحیفه سجادیه. بی جا: مؤلف.
۸. زغلول، سعید (۱۳۸۸). نقش قرآن در تکامل نقد ادبی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۹. طاهری، محمود (۱۳۸۴). ارمان شعبان ره توشه ای ثمین از مناجات شعبانیه. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۱۰. عبد خدایی، محمد هادی (۱۳۸۳). جلوه‌گاه عرفان شرح مناجات شعبانیه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ هـ ق). العی. قم: هجرت.
۱۲. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب اسلامی.
۱۳. قمی، عباس قمی (۱۳۷۱). مفاتیح الجنان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین واعظ (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. مصحح: کزازی، میرجلال الدین. تهران: مرکز.
۱۵. کریمی، جعفر (بی تا). توحید از دیدگاه آیات و روایات. بی جا: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۶. مدرسی یزدی، محمد رضا. (بی تا). اوج عرفان در مناجات ماه شعبان. بی جا: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
۱۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مطلوب، احمد (۲۰۰۰). اسالیب بلاغیه الفصاحه البلاغه المعانی. کویت: وکاله المطبوعات.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. قم: صدرا.
۲۰. مغنیه، حبیب یوسف (۱۹۹۵). الادب العربی من ظهور الاسلام الی نهایه العصر الراشدی. بیروت: دار و مکتبه هلال.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.